

مرد بهداشتی جنگ

زندگی نامه کارآفرین برتر
فرمانده واحد بهداشت لشکر امام حسین علیه السلام
در دوران دفاع مقدس
جانباز علی تیموری

مرتضی مساح

سرشناسه: تیموری، علی، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور: مرد بهداشتی جنگ: خاطرات کارآفرین برتر فرمانده اسبق واحد بهداشت
لشکر امام حسین علیه السلام در دوران دفاع مقدس جانباز علی تیموری/مرتضی مساح.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پورصائب، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص: مصور.

شابک: ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال - ۸۲ - ۸۶۲۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۶۳ - ۳۶۷: همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: خاطرات کارآفرین برتر فرمانده اسبق واحد بهداشت لشکر امام حسین

علیه السلام در دوران دفاع مقدس جانباز علی تیموری

موضوع: تیموری، علی، ۱۳۴۳- -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Personal narratives

جانبازان -- ایران -- خاطرات

Iran -- Diaries -- Disabled veterans

شناسه افزوده: مساح، مرتضی، ۱۳۵۰-، گردآورنده

رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۰۱۰۴۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

مرد بهداشتی جنگ

خاطرات کارآفرین برتر و فرمانده اسبق واحد بهداشت

لشکر امام حسین علیه السلام در دوران دفاع مقدس

جانباز علی تیموری

به قلم: مرتضی مساح

ویراستار: آمنه هنرمند

ناشر: انتشارات پورصائب

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سوم تیر ۱۴۰۳

مدیر تولید: همایون پورصائب

شابک: ۰-۸۲-۸۶۲۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ تومان

انتشارات پورصائب

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید،

جنب کوچه نوروز، پلاک ۵۱، طبقه همکف، واحد ۲

واتساپ: ۰۹۲۰۳۳۸۹۷۳۸

۰۹۱۹۵۳۱۲۳۰۱ - ۰۹۱۲۳۳۸۹۷۳۸



فهرست مندرجات

۷	 مقدمه
۱۳	 کودکی
۲۷	 انقلاب
۳۹	 شروع جنگ تحمیلی
۴۹	 دارخوین
۶۹	 عملیات بیت المقدس
۸۵	 پاسگاه زید
۹۵	 عملیات خودسازی
۱۱۱	 ورود به بهداری رزمی لشکر
۱۲۱	 عملیات پدر
۱۳۵	 تعلیم امداد و درمان
۱۴۷	 ورود به بهداشت
۱۶۷	 عملیات والفجر ۸
۱۷۹	 پدافندی خط فاو

۱۹۳		عملیات کربلای ۳
۱۹۹		عملیات کربلای ۴
۲۰۹		عملیات کربلای ۵
۲۲۱		بازدید میدانی بهداشت
۲۲۹		کردستان
۲۴۷		واپسین روزهای جنگ
۲۵۱		نظرات و خدمات مسئولین
۲۶۱		نظرات همزرمان
۲۸۳		پس از جنگ
۲۹۵		کارآفرینی
۳۰۳		ازدواج و تشکیل خانواده
۳۰۹		گفتار پایانی
۳۱۷		همروایان
۳۵۳		درباره نویسنده
۳۵۷		شهدای نامبرده در کتاب
۳۶۱		منابع و مأخذ
۳۶۹		آلبوم تصاویر



مقدمه

انسان‌ها به دنیا می‌آیند، نفس‌ها می‌آفرینند و زندگی‌های راستین را به تصویر می‌کشند، مبارزه با نفس و جهاد در راه به ثمر رساندن نهال‌های نورس ایمان که در دل‌های مومنِ بندگان خاصِ حضرت حق به شکوفایی می‌رسد، مبین شکفتن ایثار و از خودگذشتگی‌هایی جهت حفظ و نگهداری مام میهن عزیزمان ایران است؛ چرا که «حب الوطن من الایمان». از آنجایی که وقت ما انسان‌ها محدود و فرصت برای محک و آزمون تارسیدن به درجات عالی بندگان مقرب خدا کم است؛ بنابراین یکی از بهترین راه‌ها برای استفاده از تجربه دیگران خواندن زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌های مختلف است که به ما امکان می‌دهند جهان را به گونه‌ای جدید ببینیم. خواندن درباره تجربیات واقعی دیگران، زمینه تصمیم‌گیری‌ها و عواقبی را فراهم می‌کند که همه ما با آن روبرو خواهیم شد. جورج سانتایانا فیلسوف اسپانیایی نیز می‌گوید کسانی که گذشته را به خاطر نسپارند محکوم به تکرار آن هستند؛ تاریخ خود را تکرار خواهد کرد؛ زیرا همواره بازیگران تاریخ، انسان‌ها هستند.

است که همراهش بر بال اندیشه به گذشته سفر کردم، گویی در کالبدی بدیع از نو متولد شدم و باری دیگر زندگی را از دریچه‌ی نگاهی متفاوت آغاز نمودم و قدم به قدم در پیچ و خم‌های مسیر سرنوشت، سوار بر قطار خاطرات با اشک‌ها و لبخندهایش همزادپنداری کردم، محو خاطرات و شخصیت‌ها شدم و تجربه آموختم. در ایستگاه آخر که به کالبد خودم برگشتم احساس غریبی داشتم گویا تمام مسیر را خودم طی کردم و دلتنگ شخصیت جدیدم شدم.

خواننده‌ی جان شما با مطالعه این زندگینامه می‌توانید به سرگذشت دو خاندان قدیمی و یکی از محلات مهم و تاریخی اصفهان آشنا شوید. ضمن آن که به چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی در شهریور ۱۳۵۹ و روند شکل‌گیری شبکه‌ای گسترده و تاثیرگذار از بهداشت در مقاطع جنگی دسترسی پیدا کنید و اتفاقات مهم بعد از جنگ از جمله ازدواج و تولد دو قلوها با یازده سال اختلاف سنی نیز آشنا شوید. به دلیل آنچه که در گردآوری اطلاعات به روش تاریخ شفاهی و انجام مصاحبه‌های تخصصی با موضوع بهداشت صورت داده‌ام، خواندن این کتاب را به استادان و دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی به خصوص رشته‌های بهداشت پیشنهاد می‌کنم.

در پایان از اهتمام مثال زدنی جناب آقای علی تیموری در پیگیری و همراهی به منظور انجام مصاحبه‌ها و تسهیل نمودن راه سخت و پرفراز و نشیب از گردآوری اطلاعات تا چاپ کتاب بسیار ممنونم و از همسر گرامیشان بانو اعظم دیانتی و دیگر اعضای خانواده ایشان نیز که به گرمی همراهی‌ام نمودند متشکرم. سپاس از سرکار خانم دکتر مهری اذانی؛ دختر عمه‌ی گرامی آقای علی تیموری که با بازخوانی و قلم فرسایی در تکمیل

خاطرات و یادداشتی یادگاری در قالب «سخن دوست»، این مکتوب را منقش کردند. در بخشی از سخن دوست چنین آمده است:»

باغ‌ها را گرچه دیوار و در است از هواشان راه با یکدیگر است
شاخه‌ها را از جدایی گر غم است ریشه‌هاشان دست در دست هم است
نمی‌خواستم قلمی بزنم و چیزی بنویسم؛ اما با خواندن این خاطرات، قلم
مرا صدا زد تا بنویسم از مظلومیت‌ها، رشادت‌ها، صداقت‌ها و زیبایی‌های
جبهه‌های جنگ تحمیلی، بنویسم که چگونه جرعه‌ای از جام خاطرات
را نوشیدم و بی‌اختیار قلم را برداشتم و نوشتم تا همراه من شوید، همراه
روح‌های بزرگی که در برگ برگ خاطرات این مکتوب خفته‌اند، همراه آن‌ها
که بدون ذره‌ای چشمداشت دارای روح بزرگی به وسعت ایران زمین بودند
و هرگز نه برای بقای نام و پایداری مرام که برای بخشیدن قداست به واژه‌ی
«عشق» گریبان دریدند و مستانه از جام شهادت، آنقدر نوشیدند تا سکر
خمر خویش را به این صفحات بخشیدند
ای نور چشم من سخنی هست گوش کن

چون ساغر تپراست بنوشان و نوش کن

در راه عشق و سوسه اهرمن بسیست

پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

بی‌شک پسر داییم آقای دکتر علی تیموری یکی از این عاشقان بوده
و امید دارم که شعله‌های عشق و ایمان به وطن و پایداری در مقابل ستم
در همه‌ی ایام بتواند وجود نحیف ولی پر از انرژی را سرشار از می معرفت
و انسانیت نماید و چون درخشش خورشید آن را به مردم و سرزمینم بتاباند
و نیکنام در اذهان بماند؛ به قول حضرت حافظ:

هرگز نگیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما

از چهل و یک فرمانده، رزمنده و کارآفرین که در انتهای کتاب تصویر و مختصری از زندگینامه ایشان را قرار دادم و در عین مشغله کاری و پراکندگی در سر تا سر کشور با اینجانب صمیمانه همکاری نمودند، سپاسگزارم.

از بانو آمنه هنرمند که از مشاوره تا اجرا در تمامی مراحل خلق کتاب همراهی ام نمود، بسیار ممنونم. از دیگر همکارانم در مراحل مختلف خلق کتاب نیز قدردانی می‌نمایم. از دست اندکاران چاپ و نشر و مدیر مسئول محترم آن به دلیل تلاش‌های فراوان و دقت نظر در اجرا بسیار قدردانم.

امیدوارم این مختصر چراغ راهی باشد برای آیندگان تا بهتر بدانند که چه مردان و زنانی بودند، چه تلاش‌ها نمودند و خون دل‌ها خوردند تا میهنمان سرافراز بماند. خدایا چنان کن سرانجام کار؛ تو خشنود باشی و ما رستگار.

مرتضی مساح

زمستان ۱۴۰۱ هجری خورشیدی

Massah50@yahoo.com